



### گروه مجلات همشهری



کد مطلب: 2318 | تاریخ: ۱۳۸۹/۵/۱۱ | ساعت: ۱۲:۵

مروری بر تراوشات ذهن بیمار رجوی

### گروهک منافقین و رهبری آن بعد از پایان عملیات مرصاد

مسعود بنی‌صدر می‌گوید: عملیات فروغ جاویدان امید سیاسی ما را نابود کرد. اما مهم‌تر از آن ، این عملیات برای من و بسیاری دیگر حاکی از پایان ایدئولوژی، اعتقاد و انتظار اخلاقی بود.

**سایت گروه مجلات همشهری:** گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر که یک سازمان غیردولتی در آمریکا است دربارهٔ گروهک منافقین چنین عنوانی دارد: «خروج ممنوع؛ نقض حقوق بشر در کمپ‌های سازمان مجاهدین خلق».

همشهری پایداری در شماره مردادماه خود که به عملیات مرصاد اختصاص دارد بخش‌های کوتاهی از این گزارش را منتشر کرده که در ادامه می‌آید:

رهبری سازمان مجاهدین [منافقین] با اعتقاد به اینکه حکومت ایران ضعیف بوده و در برابر قیام مردمی آسیب‌پذیر است به این نتیجه رسید که تهاجم ارتش آزادی‌بخش جرقهٔ چنین قیامی بوده و راه را برای ورود نیروهای آن به تهران و سرنگونی حکومت هموار خواهد کرد. مسعود رجوی در آستانهٔ این عملیات به نیروهای خود گفت: «هرجا پای بگذاریم، توده‌های مردم به ما خواهند پیوست و زندانیانی که آزاد می‌کنیم همیار ما برای پیروزی خواهند بود... شما احتیاجی ندارید که چیزی با خود حمل کنید. ما مثل ماهی در دریای جمعیت شنا خواهیم کرد. آنها هر چه بخواهید به شما خواهند داد.»

در 24 ژوئیهٔ 1988 نیروهای ارتش آزادی‌بخش[!] کمپ‌های خود را ترک کرده و از مرز خسروی وارد ایران شدند.

آنها در ابتدای ورود تا مرکز استان کرمانشاه که حدود 100 مایل درون خاک ایران است با مقاومت چندانی روبه‌رو نشدند. اما ارتش و سپاه پاسداران ایران برای دفاع از کرمانشاه وارد عمل شده و پس از وارد کردن تلفات سنگین به ارتش آزادی‌بخش، نیروهای آن را وادار به عقب‌نشینی به مرز عراق کردند.

محمد اسکندری، یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدین که در جریان عملیات فروغ جاویدان (مرصاد) زخمی شد می‌نویسد: «جو بدبینی و عدم اعتماد به رهبری رجوی هر روز بالا می‌گرفت. خیلی از بچه‌ها تقاضای جداشدن از سازمان کردند. روحیه شکست‌خورده و بدن‌های مجروح بچه‌ها نشانه‌ای از شکست تاکتیکی و استراتژیکی ارتش رجوی بود.»

مسعود بنی‌صدر (پسرعموی رئیس‌جمهور عزل‌شده ایران و از اعضای رده‌بالای جدا شده از منافقین) نیز از فضای پس از عملیات به عنوان نقطه برگشت بسیاری از اعضای سازمان یاد می‌کند: «عملیات فروغ جاویدان امید سیاسی ما را نابود کرد. اما مهم‌تر از آن، این عملیات برای من و بسیاری دیگر حاکی از پایان ایدئولوژی، اعتقاد و انتظار اخلاقی بود. ارزش‌های بنیانی ما معنای خود را از دست داده و دیگر روحیه‌بخش نبودند. همه ما به هنرپیشه‌هایی تبدیل شده بودیم که با یکدیگر بازی کرده و یکدیگر را تشویق می‌کردیم. این دروغ هنگامی که «رهبر ایدئولوژیک» ما اشتباه در پیش‌بینی و قضاوت خود را نپذیرفت به اوج خود رسید... به ما گفته شده بود ایمان مجاهدین دو پایه دارد: فداکاری و صداقت. پس از فروغ، چاه صداقت به طور کامل خشک شد و پس از آن سازمان تنها مبتنی بر یک رکن بود: فداکاری و فداکاری بیشتر.»

رجوی از همه اعضا خواست برای افزایش توانایی مبارزه، خود را از همه وابستگی‌های جسمی و روحی طلاق دهند. در این مرحله از انقلاب ایدئولوژیک، افراد مزدوج ملزم شدند با طلاق دادن همسر خود، به وابستگی‌های احساسی خود پایان دهند. بنی‌صدر در این مورد به جلسه معروف به «امام زمان» که مسعود رجوی راه انداخته بود اشاره می‌کند: «...رجوی انتظار داشت ما نتیجه بگیریم بین او و امام زمان هیچ حائل و واسطه‌ای وجود ندارد. اما بین ما و او حائلی وجود داشت که مانع می‌شد وی را به وضوح ببینیم. این حائل ضعف ما بود. اگر ما آن را می‌پذیرفتیم می‌توانستیم ببینیم چرا و چگونه در مواردی نظیر عملیات فروغ شکست خوردیم. مسعود و مریم تردیدی نداشتند که حائل ما همسرانمان بودند... بعدها من متوجه شدم سازمان نه فقط طلاق قانونی، بلکه خواستار طلاق احساسی و ایدئولوژیک هم شده. من باید (آناً) همسرم را در قلب خود طلاق می‌دادم. در واقع من باید یاد می‌گرفتم که از او به عنوان حائل میان من و رهبرم متنفر شوم.»

نیروهای امنیتی مجاهدین در اواخر سال 1994 و اوایل سال 1995 اقدام به دستگیری بسیاری از اعضای سازمان در درون کمپ‌هایشان در عراق کردند. این افراد تحت بازجویی قرار گرفته و متهم به جاسوسی برای ایران شدند. دستگیرشدگان در اواسط سال 1995 پس از آنکه مجبور به امضای اعتراف‌نامه‌های دروغین و ابراز وفاداری به رهبری سازمان شدند، آزاد شدند.

انتهای خبر / گروه مجلات همشهری